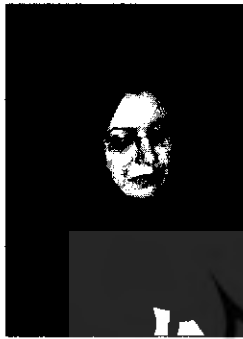


# نوجوان و شعر



سودابه امینپوری

برو نرو همه و همه ابزارهای کلامی است که ما با آنها به‌عنوان والد و مربی، مستقیم سر و کار داریم، در عین حال پایه‌های شکل‌گیری شخصیت نوجوان در کودکی ریخته می‌شود.

عینی‌گرایی از ویژگی‌های کودک است، آنچه کودک می‌بیند و آنچه می‌شنود از امکانات اصلی ارتباط وی با محیط اطراف هستند. عدم شناخت نسبت به محیط اطراف، عدم آگاهی نسبت به اسامی اشیاء و عناصر طبیعت و آدمها عامل اصلی خلاقیت و آزادسازی تخیل کودک است، شما به‌عنوان یک فرد بزرگسال تا با کسی صحبت نکرده باشید و نام او را نپرسیده باشید، ممکن است هزار نام از ذهنتان بگذرد، همه این نامها می‌تواند متعلق به آن فرد باشد، اما به محض اینکه نام او را می‌فهمید ۹۹۹ گزینه از ذهن شما پاک می‌شود، نحوه کارکرد ذهن کودک نسبت به محیط، مشابه این اتفاق است. کودک تا زمانی که به حکم قطعی درباره واقعه‌های پیرامون خود نرسیده باشد خیالبافی می‌کند، اما به محض اینکه به «دانایی» درباره اشیا و عناصر محیط اطراف می‌رسد، کارکرد تخیل ضعیف می‌شود؛ در صورتی که خیال و دانایی، به صورت متعادل به رشد برسند، فرد خلاقیت دوران کودکی خود را با خود به نوجوانی نیز خواهد آورد، اما در صورتی که خیال تضعیف و دانایی تقویت شود و تأکید مداوم ما به‌عنوان مربی بر «این است و جز این نیست» ها باشد، کارکرد خلاق ذهن را در کودک یا نوجوان کند

اگر به کارنامه شاعران شعر نوجوان نگاهی اجمالی بیندازیم، در طول سالهای اخیر، تلاشهای نسبتاً خوبی را ملاحظه می‌کنیم. شعر نوجوان پس از تعریف نوجوان معنی پیدا می‌کند، در تعریف نوجوانی باید به چند نکته توجه داشته باشیم، نوجوانی سنی است بین کودکی و جوانی، بنابراین بدون توجه به تعریف کودک و ویژگیهای وی و نیز بدون توجه به بزرگسال - اعم از جوان و میانسال - نمی‌توانیم تعریف درستی از نوجوان به دست دهیم. کودک فیلسوف شاعری است که گاه به کشف روابط علت و معلولی محیط پیرامون خود می‌پردازد و گاه با نگاه شاعرانه از آنچه «نیست» مفهومی پدید می‌آورد و به تبع آن روابطی را می‌سازد که اگر منحصر به فرد نباشد، فقط در دنیای کودکی و گروه سنی کودکان معنی پیدا می‌کند.

فرآیند تربیت و آموزش و کشف و شهود، در کودک به سرعتی شگفت‌انگیز اتفاق می‌افتد، گاه آموزشی و تربیت توسط خانواده و مربی انجام می‌شود و گاه توسط طبیعت و عناصر محیط پیرامون کودک، در واقع کودک به یک مربی درونی مجهز است، تربیت‌شونده و تربیت‌کننده در درون وجود کودک هم‌زمان با هم زندگی می‌کنند، رشد می‌کنند، تعامل دارند، به کشف می‌رسند و استدلال می‌کنند و رفتار تازه‌ای را در مقابل عناصر و اشیاء و اطرافیان به‌دست می‌دهند. گاه عوامل محیطی در تربیت کودک نقش مستقیم دارند و گاه نقش غیر مستقیم: بگو نگو، بیا نیا، بکن، نکن،



کودک فیلسوف شاعری است که گاه به کشف روابط علت و معلولی محیط پیرامون خود می پردازد و گاه بانگاه شاعرانه از آنچه «نیست» مفهومی پدید می آورد.

برای کودکان فراهم می‌سازیم. سهم شعر کودک و نوجوان در بالا بردن سطح سلیقه ادبی و نیز سن ادبی کودک و نوجوان، سهم کمی نیست. شعر کودک در نمونه‌های ارائه شده به کودکان، منجر به گسترش دایره واژگان، برون‌ریزی عاطفی، بالا بردن نشاط در کودکان رشد منطبق زبان، ساختمان شدن زبان و بازسازی تخیل کودکان و رشد تخیل کودک می‌شود.

عینی‌گرایی در شعر کودک به واسطه عینی‌گرایی در کودک، از لوازم کار شاعر کودک است؛ اگرچه خاص ادبیات کودک نبوده است، (در متون کهن از جمله متن ارجمند شاهنامه فردوسی نیز با دنیایی عینی و ملموس سر و کار داریم، خیال پیچیده در شاهنامه کمتر به چشم می‌خورد، در عین حال، فردوسی در شاهنامه از تخیل فرهیخته‌ای سود جسته است که پاسخ مخاطب او را می‌دهد.)

اگر بخواهیم مهم‌ترین وظیفه شعر کودک را تعریف کنیم، باید بگوییم شعر کودک موفق، بزرگ‌ترین هدفش موازی نگه داشتن رشد تخیل و دانایی است. شعر کودک باید از مرگ، ضعیف شدن و ایتر ماندن خیال پیشگیری کند.

در نوجوان، گاه با کودکی سر و کار داریم که گاه در درون نوجوان ابراز وجود می‌کند، هیاهو می‌کند، ساده‌اندیش است و سهل‌انگار و گاه با «من» نوجوانی سر و کار داریم که قوه استدلال و انتزاع، ترکیب‌سازی و تصمیم‌سازی در وجودش به رشد می‌رسد.

در دوره کودکی، کودک دچار نوعی استحاله در جهان پیرامون است، آن‌قدر مستحیل که خود را با اشیاء و عناصر طبیعت یکی می‌بیند آن‌قدر که گاه به خود آسیب می‌زند، دست خود را می‌بُرد، می‌سوزاند. «من» در کودک وقتی معنی پیدا می‌کند که درد جسمانی در اثر آسیب از اشیاء، او را به خود می‌آورد، اما من در نوجوان چنین نیست، در نوجوان، عاطفه و خیال و اندیشه، ترکیباتی هستند که تار به تار و پود به پود به هم بافته می‌شوند و شخصیت نوجوان را می‌سازند. هر قدر تعادل بین این سه عنصر بیشتر باشد با نوجوان آرام‌تری روبه‌رو هستیم، برای نوجوان تظاهر، بیرونی همه چیز، اول از «من» آغاز می‌شود. حال بینیم نقش زبان در به تعادل رساندن عاطفه و تخیل و اندیشه نوجوان چیست؟ همه وظایفی که برای شعر کودک برشمردیم در شعر نوجوان نیز صدق می‌کند، شعر نوجوان باید به افزایش محدوده دایره واژگان کمک کند، نوجوان را به تعادل عاطفی برساند، از منطق لازم هم در درونمایه و هم در ساختار زبان برخوردار باشد. اما مهم‌ترین وظیفه شعر نوجوان چیست؟ در یک جمله به آرامش رساندن «من» نوجوان که این آرامش حاصل به تعادل رسیدن عاطفه و اندیشه و خیال است. این به تعادل رسیدن گاه با تعریف «من» نوجوان و بازخوانی او برای او حاصل می‌شود و گاه با اعتراض به وضعیت موجود و گاه با توصیف «من» نوجوان برتری که امروز هنوز شکل نگرفته و در مخاطب شعر به دست نیامده است، اما امیدواریم که به دست بیاید.

با این اوصاف می‌بینیم که وظیفه شعر نوجوان و شعر کودک

خواهیم کرد. ورود به دنیای کلمات، نام‌گذاری کردن برای اشیاء و عناصر محیط می‌تواند آغازی سرشار از خیال‌انگیزی باشد و یا آغازی برای ورود به مسیر کندی تخیل و در ادامه رشد خلاقیت. بنابراین بسته به نوع استفاده از واژگان و جملات، مربی یا والد می‌تواند این دو مسیر را برای کودک تعیین کند. یکی از ابزار ما برای به رشد رساندن تخیل کودک شعر است، شعر علاوه بر اینکه خیال کودک را تقویت می‌کند، به او درباره محیط پیرامون شناخت می‌دهد، بایدها و نبایدها را مستقیم و غیر مستقیم برای او طرح می‌نماید و تنشهای عاطفی او را کم می‌کند و کودک را از تنهایی درمی‌آورد، نوعی آینگی در شعر وجود دارد که علاوه بر ساختن چهره‌ای از کودک برای خود او، وی را برای ورود به دنیای نوجوانی و در نتیجه رسیدن به کمال در مسیر سن عقلی و سن تقویمی و سن ادبی آماده می‌سازد، در بحث سن عقلی و تقویمی نیازی به توضیح نیست و همگان واقفند که سن تقویمی، سنی است که بنا به تاریخ تولد کودک تعیین می‌گردد و سن عقلی بنا به رشد هوشی وی اما سن ادبی کودک، نوجوان، جوان و بزرگسال را میزان رشد گنجینه لغات، توانایی عبارت‌سازی و مفهوم‌یابی و رسانایی مفهوم توسط واژگان و به زبان دیگر، رشد ساختار زبان در گویش و نوشتار تعیین می‌نماید، عوامل متعددی در رشد سن ادبی کودک نقش دارند از جمله خواندن، شنیدن متون ادبی شامل شعر و داستان و نثر ادبی، تمرین در بیان شفاهی، سلیقه کودک در به‌کارگیری ادبیات شفاهی مخصوص به خود تا حدود زیادی بستگی به ادبیات خاص گفتاری پدر و مادر و در مرحله بعد تلویزیون و رادیو دارد، بنابراین تعریف، سن ادبی کودک ممکن است از سن ادبی نوجوانی که همزمان با او در جامعه رشد می‌کند نیز بالاتر باشد. آنچه در رشد سن ادبی کودک، نوجوان، جوان و بزرگسال مؤثر است خواندن، شنیدن و نوشتن است، با این همه ممکن است فردی توانایی نوشتن خلاق را نداشته باشد اما سن ادبی او و سلیقه ادبی او بالاتر از هم‌سن و سالان خود باشد. بنابه این تعریف ما می‌توانیم برای هر طیف سنی، یعنی کودک، نوجوان و جوان، سن ادبی تعیین کنیم، حتی می‌توان برای احاد افراد جامعه نیز سن ادبی تعیین کرد در صورتی که سطح سواد ادبی کودکان و نوجوانان در هر دوره زمانی بیشتر از دوره‌های قبل باشد، می‌توان سن ادبی بالاتری را نسبت به دوره‌های پیشین برای گروه کودکان و نوجوانان تعیین کرد. بسیاری از اوقات می‌شنویم که بزرگ‌ترها می‌گویند: «بچه‌ها چقدر باهوش شده‌اند!» یا «بچه‌های امروز چقدر زبان دارند، ما وقتی بچه بودیم جرئت نداشتیم پیش بزرگ‌ترها حرف بزنیم که این جرئت و شهامت در زبان آوری بستگی به تمرین و ایجاد فضای گفتار شفاهی و میزان تغذیه شنیداری دارد که ما

کودک نازمانی که به حکم قطعی دربارهٔ واقعیت‌های پیرامون خود نرسیده باشد خیالبافی می‌کند، اما به محض اینکه به «دانایی» دربارهٔ اشیاء و عناصر محیط اطراف می‌رسد، گاز کرد تخیل ضعیف می‌شود.



بسیار سنگین است. شعر نوجوان می‌تواند در گونه‌های مختلف اجتماعی، عرفانی، مذهبی، تربیتی و روانشناختی، شعر اعتراض و... تعریف و سروده شود، حتی جنسیت نیز باید در نوجوان در نظر گرفته شود. برای رعایت این نکته نیز نیاز به یک بار تعریف از دورهٔ نوجوانی برای دختران و دوره نوجوانی برای پسران، از دیدگاه علم و دین هست اگر سن تکلیف را، سن گذر از نوجوانی یا سن نوجوانی تعریف کنیم؛ می‌بینیم که محدوده سنی برای دختران نوجوان و محدوده سنی برای پسران نوجوان با یکدیگر متفاوت است، عناصری که در زندگی دخترانه در دورهٔ نوجوانی مطرح است، عواطف و احساسات دخترانه و مشکلات و مسائل دختران با پسران کاملاً متفاوت است، بنابراین شعر نوجوان (دختران) می‌تواند گرایشی از شعر نوجوان باشد همان‌گونه که شعر نوجوان (پسران)

شعر نوجوان باگرایش دخترانه  
نزدیک عید است

مادر برایم دوخته پیراهنی سبز  
می‌پوشم آن را باز هم با دامنی سبز  
در انتظار یک پرستو می‌نشینم  
تا در نگاهش شادمانی را ببینم  
بخشی از شعر پیراهن سبز از کتاب صدای سبز  
سرودهٔ حسین احمدی

در این شعر استفاده از واژه دامن فضای دخترانه‌ای به شعر داده است.  
در چشم آهو:

یک سیب سرخ را  
از شاخه چید باد  
رودی گذشت و باد  
آن را به رود داد

✽

آن سیب سرخ رفت  
با رود سوی دشت  
آهوی تشنه‌ای  
از دشت می‌گذشت

✽

وقتی نگاه کرد  
آهو به چشم رود  
در چشم آبی‌اش  
یک سیب سرخ بود  
از کتاب: صدای سبز

سرودهٔ حسین احمدی

اشاره شد که شاعر در شعر نوجوان، گاهی به شخصیت‌پردازی با عناصر طبیعت می‌پردازد، بی‌آنکه هدفی داشته باشد، صرف ارائه یک تصویر از طبیعت، شخصیت انسانی بخشیدن به عناصر



شعر کودکانه در نمونه‌های ارائه شده به کودکان، منجر به گسترش تائیر و واژگان، برون‌ریزی عاطفی، بالا بردن نشاط و کودکان رشد منطبق زبان، ساختن شدن زبان و بازیابی تخیل کودکان و رشد تخیل کودک می‌شود.

\*  
یک دریاچه گاه باز می‌شود  
رو به گریه‌ها و خنده‌ها  
یک دریاچه گاه بسته می‌شود  
رو به جای خالی پرنده‌ها

\*  
بی‌نگاهتان  
این دریاچه‌ها چه بسته و چه باز  
پشت پرده‌هایی از سکوت  
تا همیشه بسته است  
\*  
با نگاه روشن شما ولی  
هر دریاچه باغی از ستاره چیدن است  
هر دریاچه قاب عکسی از بهار  
قاب عکسی از تو و من است

آیا چه مشخصه‌ای در این شعر هست که شما را مجاب کند که شعر برای نوجوان سروده شده است در صورتی که سن ادبی میانه‌ای برای جامعه بزرگسال در نظر بگیریم، می‌توان گفت مخاطب این شعر نوجوان نبوده بلکه بزرگسال است. در صورتی که مخاطب شعر را بزرگسال در نظر بگیریم، شعر به خاطر تکرار زیاد واژه یک دریاچه و استفاده تصنعی از طبیعت در شعر، شعری متوسط رو به ضعیف به‌شمار می‌آید که شاعر تلاش کرده آن را بسراید. با یک نگاه اجمالی به بقیه شعرهای این کتاب به این نتیجه می‌رسیم که اگر تصاویر و توضیح ابتدای کتاب یعنی: «برای گروه‌های سنی د و ه» را از کتاب حذف کنیم نمی‌توان اغلب شعرهای کتاب را شعر نوجوان محسوب کرد.

شاعر شعر نوجوان، باید با توجه به هدفی که دارد به سرایش بپردازد و البته از مصنوعی سرودن نیز پرهیز کند. شاعر شعر نوجوان مثل بازیگردانی است که باید ماهرانه، عروسک‌های خود را در صحنه بچیند و به‌گونه‌ای عروسک‌ها را حرکت دهد که پیام دلخواه او توسط مخاطب دریافت گردد بدون اینکه ناشیگری کند و خود را در صحنه نمایش عرضه کند. توضیح این نکته ضروری است که هر یک از این گونه‌ها اگر به صورت اغراقی به طرح مسئله‌ای در شعر بپردازند که نوجوان را از حد تعادل خارج کند می‌توانند خطرناک باشند مثلاً در شعر اعتراض، شاعر باید تا حدی به وضعیت موجود اعتراض کند که نوجوان حس کند، همراهی دارد که او هم شرایط نوجوان را درک می‌کند، شعر اعتراض می‌تواند منجر به تخلیه حس اعتراض در نوجوان شده و او را به آرامش و تعادل بیشتری برساند.

در بحث آسیب‌شناسی شعر نوجوان با مسئله‌ای به نام تکرار مضمون و فقر مضمون مواجه‌ایم (استفاده از مضامین طبیعت در شعر کودک و نوجوان در بسیاری از اوقات به‌خاطر فرار از فقر مضمون است، اگرچه شعرهای زیبایی با مضمون طبیعت در

طبیعت و ارائه یک برش از یک اتفاق، بدون اینکه هدفمند باشد ما را مجاب نمی‌کند به اینکه شعر نوجوان خواننده‌ایم. شاعران نوجوان ما گاهی به خاطر فرار از فقر مضمون به پرداخت صحنه‌ای از طبیعت پناه می‌برند، بی‌آنکه معلوم باشد، مخاطب شعرشان کیست، چون مخاطب خاص شعر کودک و نوجوان، غیر حرفه‌ای است و نمی‌تواند درباره ادبیاتی که برای او خلق شده است اظهار نظر کند، شعرهای از همه جا رانده و مانده را در کتابهای شعر کودک و نوجوان قرار دادن، کار چندان شایسته‌ای به نظر نمی‌رسد. به این شعر نگاه کنید:

من ترانه‌هایم را  
می‌دهم به دست باد  
تا شود تمام کوه  
از ترانه‌هایم شاد

می‌شوم رها در دشت  
مثل بوی گندمزار  
می‌شود تمام دشت  
از ترانه‌ام سرشار

مثل چشمه‌ای با شوق  
می‌روم به سوی رود  
می‌رسم به یک دریا  
با شتاب و خاک‌آلود

\*  
می‌رسم به یک دریا  
می‌شود دلم شفاف  
می‌برد مرا خورشید  
سوی آسمانی صاف

این من مشترک شاعر و مخاطب کیست؟ چند ساله است؟ آیا نمی‌توان او را یک فرد بزرگسال فرض کرد؟ کدام عنصر در شعر آمده است تا به شما بگوید شعر درباره نوجوان سروده شده است و مخاطب آن نوجوان است؟ به شعر کوچک دریاچه‌ها که سروده بیوک ملکی است نگاه کنید:

یک دریاچه رو به باغ  
یک دریاچه رو به دشت  
یک دریاچه سمت نور  
یک دریاچه رو به کوه‌های دور

برای اینکه شاعر شعر نوجوان، نگاه خود را  
به نگاه مخاطب نزدیک کند، باید مرتب «می  
نوجوان» درون خود را بازسازی کند.



ممکن است شاعران شعر نوجوان، حضور در فضاهای نوجوانان  
مثل مدرسه و کانون پرورشی فکری را برای رسیدن به شناخت  
درباره نوجوانان کافی بدانند ولی واقعیت امر این است که این دو  
مورد یعنی نشست و گفت‌وگو، پیرامون شعر و نوجوان با حضور  
شاعر در فضای نوجوانان، کاملاً متفاوت است. گاه شاعر به جمع  
نوجوانان دعوت می‌شود و با سلام و صلوات و تعارف از او تقدیر  
می‌شود و باز به محیط خود برمی‌گردد، در چنین شرایطی شاعر  
به شناسایی نوجوان و نوجوانی در زمان حاضر نمی‌رسد، اما در

میان اشعار نوجوان هست که با این انگیزه سروده نشده است.  
نکته دیگر اینکه معمولاً شعرهای مذهبی و مناسبتی در شعر  
نوجوان بهتر از شعرهایی که موضوع یا محور از پیش تکلیف  
نشده به شاعر دارند از آب در می‌آیند. علت این امر این است  
که محدوده موضوعی سرایش از قبل برای شاعر تعیین شده و  
یا شاعر خود را مکلف کرده که در موضوع مذهبی با مناسبتی  
بسراید بنابراین سردرگمی که در شعرهای دیگر از بابت یافتن  
موضوع وجود دارد، در شعرهای مذهبی وجود ندارد و چهارچوب  
موضوعی مشخص، انسجام بیشتری به شعر می‌دهد.

علت فقر مضمون در شعر نوجوان متعدد است اول اینکه شاعر  
نباید به حق تألیف کتاب خود محتاج باشد، چون در این صورت  
می‌سراید برای گرفتن حق تألیف. یعنی هدف اصلی شاعر حق  
تألیف است نه خدمت به ادبیات کودک و نوجوان دوم اینکه

شاعر نوجوان یا شاعر کودک بنا به سیر طبیعی  
زندگی هر انسانی، با یک کودک یا نوجوان در  
درون خود مواجه است که از دیدگاه وی همه  
چیز را می‌بیند و گاه می‌انگارد که می‌بیند و  
آن کودکی و نوجوانی خود اوست که سالها  
پیش اتفاق افتاده است و بسیاری از خاطرات  
مربوط به آن نیز فراموش شده است، بنابراین  
به‌طور طبیعی ما با شاعرانی مواجه خواهیم  
بود که شعرشان تاریخ مصرف دارد، نوجوان  
سی سال پیش با نوجوانی که در فضای امروز  
نفس می‌کشد، یکی نیست، اگرچه عشق و  
شادی و نشاط و غم و اندوه و... همه و همه  
عواطفی هستند که در انسانها مشترکند اما  
به روز کردن شعر بنا به تغییر فضای زندگی  
نوجوان از ضرورت‌های شعر نوجوان است.

#### زاویه دید در شعر نوجوان:

در بحث شعر بزرگسال شاعر با مخاطب شعر  
خود، فاصله چندان از نظر تجربیات مشترک،  
عواطف و اندیشه ندارد، شاعر بزرگسال با بیان  
شاعرانه خود، پنجره تازه‌ای را برای دیگرگونه  
دیدن در مقابل مخاطب باز می‌کند، اما در

شعر کودک و نوجوان چنین نیست، اصولاً جنس مسائل مخاطب  
شعر با جنس مسائل، عواطف، اندیشه‌ها و تجربیات شاعر نوجوان  
متفاوت است بنابراین برای اینکه شاعر شعر نوجوان، نگاه خود  
را به نگاه مخاطب نزدیک کند، باید مرتب «من نوجوان» درون  
خود را بازسازی کند، این بازسازی از چند طریق حاصل می‌شود:  
۱- مطالعه ۲- نشست و گفت‌وگو با متخصصین و روانشناسان  
۳- حضور در فضاهای فرهنگی که مخاطبین شعر نوجوان حضور  
دارند. ۴- نشستهای خصوصی با اجتماعات کوچکی از نوجوانان  
و متمرکز نمودن بحث بر مسائل نوجوانان به طور خاص و شعر  
نوجوان باز هم به طور خاص.

نشسته‌ها چنین اتفاقی خواهد افتاد، بسیاری از ایده‌ها را شاعر در  
نشست با نوجوانان از خود آنان می‌گیرد، نکته قابل ذکر اینکه  
هدف شاعر از شناخت نوجوان تأیید کردن او نیست آنه در شعر  
و نه در گفت‌وگو! کمک به نوجوان برای رسیدن به کمال در  
اندیشه، عاطفه و زبان است که اهمیت ویژه دارد.  
اگر رسیدن به نوجوان کمال‌یافته را هدفی ایده‌آل بدانیم،  
می‌توانیم هدف به تعادل رسیدن نوجوان را نسبت به آنچه امروز  
است آن هم نه قشری از نوجوانان که حتی عده محدودی از  
نوجوانان را برای خود تعریف کنیم.



### تربیت مخاطب:

شعر کودک و نوجوان، موجودی است که با همکاری، مربی، شاعر و نوجوان یا کودک به منصفه ظهور می‌رسد.

هر یک از این سه ضلع ثلث فعال عمل نکنند، به خاموشی [شعر نوجوان، شعر کودک] بیشتر کمک کرده‌اند.

نه شاعر می‌تواند شعر خود را بدون کمک مربی یا والدی که نقش مربی را ایفا می‌کند و یا حتی رسانه‌ای مثل تلویزیون یا رادیو که جایگزین مربی می‌شود به مخاطب برساند و نه مخاطب، بدون کمک مربی می‌تواند شعر نوجوان یا شعر کودک را دریابد، در بحث تربیت مخاطب خوب برای شعر کودک و نوجوان و در ادامه شعر جوان و بزرگسال، باید به نقش مربیان توجه جدی داشت.

شعر هنری است که خوانش صحیح آن و به بیانی صحیح‌تر اجرای آن، برای شنونده در فهم و درک درست و لذت بردن از شعر مؤثر است، این‌گونه تلقی می‌شود که اولین گام در آشناسازی کودکان با شعر، قرار دادن کتاب در اختیار کودک یا نوجوان است، در صورتی که شنیدن صدا و دیدن تصویر برای کودکان این ضرورت را ایجاد می‌کند که خواندن شعر را جدی‌تر بگیرند، کودک باید شاعر شعرهای خود را ببیند و شعر را با صدای او بشنود و در این زمینه رسانه به‌خصوص (تلویزیون و رادیو) نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند.

### زبان

در بحث زبان شعر نوجوان، ماهیت نوجوانی و مسائل نوجوانان ایجاب می‌کند، شاعران شعر نوجوان در نگاه شاعرانه خود تنوع و گوناگونی داشته باشند، یعنی برخلاف شعر بزرگسال که هر شاعر به‌دنبال سبک و استیل خاص خود می‌باشد. شاعران نوجوان، باید با معیار نگاه شاعرانه، از یکدیگر متمایز شوند، برای مثال شاعری که شعرهایش عموماً رویکرد عرفانی دارد، نگاه عرفانی نسبت به جهان پیرامون دارد و می‌تواند عرفان نوجوانان را در شعرش مطرح نماید، اگرچه این شاعر ممکن است، شعر اجتماعی و عاطفی هم بسراید، اما نگاه شاعرانه وی نگاه عرفانی است. نگاه شاعرانه شاعر نوجوان، باید به دنیای نوجوانان نزدیک باشد. و همان‌گونه که می‌توان در کلیات نگاه شاعرانه را دسته‌بندی کرد، می‌توان در گروه سنی و جزئیات دیگری نیز مثل نگاه به طبیعت، نگاه به اشیاء و... نیز نگاه شاعرانه را مورد بحث و تحلیل قرار داد.

بحث زمان در شعر نوجوان نیز بحثی است. که در زیرمجموعه نگاه شاعرانه قرار می‌گیرد، چون من نوجوان در شاعر بزرگسالی که برای نوجوان می‌سراید، در گذشته زندگی کرده، زمان گذشته و سرودن درباره آنچه امروز نیست، باعث می‌شود، زمان شعر نوجوان از زندگی نوجوان امروز عقب بماند و در نتیجه از این دیدگاه شعر آسیب‌پذیرتری را در زیرمجموعه شعر نوجوان داشته باشیم.

### ساختار داستانی در شعر کودک و نوجوان

در شناسایی ساختار شعر کودک و نوجوان، اشاره به این نکته ضروری است که در بسیاری از نمونه‌های شعر نوجوان، ساختار روایی و داستانی دیده می‌شود.

در نمونه‌ها، شخصیت‌پردازی، لحظه‌پردازی، توصیف و توضیح اجزای صحنه و زمان و مکان وجود دارد.

در باب استفاده از تکنیک شخصیت‌پردازی در شعر اگر این کار به‌صورت هدفمند و اصولی صورت گیرد، برای کودکان هم‌راهن خیالی می‌آفریند که آنها را از تنهایی سهمگین خود درمی‌آورد، تنهایی نیز برای کودک معنای فلسفی دارد، موجودی ضعیف و ناتوان که توانایی دفاع جسمی از خود را ندارد، توانایی بیان خود را ندارد و در این جهان پر رمز و راز، از بهشت فرود آمده است، حمایتها از کودک ابتدا جسمی است و سپس، حمایتهای عاطفی نیز به آن اضافه می‌شود.

این حمایت جسمی و روحی توسط مادر صورت می‌گیرد و سپس حمایتهای عاطفی بر حمایتهای جسمی غلبه می‌کند، شاعر و نویسنده در این پروسه، کامل‌کنندگان نقش مادر هستند که از کودک حمایت عاطفی می‌کنند.

اگر شخصیت‌پردازی در شعر به‌طور ناقص انجام پذیرد، کمک عاطفی به کودک یا نوجوان ابر خواهد ماند و متأسفانه اغلب شخصیت‌پردازیهایی که در شعر نوجوان ملاحظه می‌شود جزو تلاشهای ناموفق هستند.

### تصویرگری

بحث تصویرگری شعرهای نوجوان، بحثی مفصل است که باید در جای خود به آن پرداخت، در اینجا اشاره کوتاهی به نکات مطرح در این زمینه داریم: تصویرگری شعر نوجوان معمولاً با پسند و سلیقه نوجوانان هماهنگی ندارد، ممکن است بگویید این بحث، خود بحثی است سلیقه‌ای، درست. اما تصویرگری شعر نوجوان و نیز کودک، باید به سلیقه مخاطب نزدیک باشد، متأسفانه کتابهایی که برای کودکان و نوجوانان تصویرگری می‌شود، حق مخاطب را ادا نمی‌کند و او را راضی نمی‌نماید اگر از کودکان و نوجوانانی که تصویرگری کتابها را دیده‌اند، پرسید چقدر تصویرها برایشان جذابیت دارد کمتر رضایتمندی آنها را مشاهده خواهید کرد، اگرچه هدف تصویرگران، فقط راضی نگه‌داشتن سلیقه مخاطب نیست، اما متأسفانه تصاویر اهداف دیگر را نیز برآورده نمی‌کند.

اگر بخواهم ویژگیهای مثبت تصویرگریهای موفق را دریابیم باید به این نکات اشاره کنیم ۱- تربیت حس زیباشناسی کودک. ۲- کمک به درک عمیق و تصویری مخاطب از متن که حاصل هماهنگی بین محتوای ادبی و محتوای تصویری است. ۳- به تصویر کشیدن جزئیات تصویری ۴- غنی‌سازی حافظه تصویری. ۵- بالا بردن سطح سلیقه مخاطب ۶- هماهنگی بین تصویر ارائه‌شده با متن نوشته یا شعر ۷- به‌کارگیری رنگها و خطوط طوری که کودک یا نوجوان را به آرامش برساند.